

جمعية خدمة المحتوى
الإسلامي باللغات



پیامبر اسلام محمد
صلی الله علیه وسلم

دری

دري



رسول الإسلام محمد



کمیته علمی

ادارة امور دينی مسجد الحرام و مسجد نبوی

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٥ هـ

ح

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات

رسول الإسلام - دري. / جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات;

- الرياض ، ١٤٤٥ هـ

٢٢ ص ١٤٤ ٢١ سم

ردمك: ٩٧-٩-٨٤٠٢-٦٠٣-٩٧٨

١- محمد صلى الله عليه وسلم ٢- السيرة النبوية أ.العنوان

١٤٤٤ / ١٤٨٧

ديوي ٢٣٩

شركاء التنفيذ :



المحتوى الإسلامي



رواد التراجم



جمعية الربوة



بيان الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص



Tel : +966 50 244 7000



info@islamiccontent.org



Riyadh 13245-2836



www.islamiccontent.org

رَسُولُ الْإِسْلَامِ مُحَمَّدٌ ﷺ

پیامبر اسلام محمد صلی اللہ علیہ وسلم

اللَّجْنَةُ الْعِلْمِيَّةُ

بِجَمْعِيَّةِ خِدْمَةِ الْمُحْتَوَى الْإِسْلَامِيِّ بِاللُّغَاتِ

کمیٹہ علمی

ادارہ امور دینی مسجد الحرام و مسجد نبوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام الله بخشنده ومهربان

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم

پارهٔ مختصری پیرامون پیامبر اسلام محمد^۱ صلی الله علیه وسلم که شامل نام، نسب، سرزمین، ازدواج، پیامبری، و آنچه که بسوی آن دعوت نمود، و نشانه های پیامبری، و شریعت، و موقف مخالفین او میباشد بیان میکنم.

۱- نام و نسب و سرزمینی که وی در آن تولد و پرورش یافته است.

پیامبر اسلام، او محمد فرزند عبدالله فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم از اولاد اسماعیل فرزند ابراهیم علیهم السلام میباشد. و قتیکه پیامبر الله، ابراهیم علیه السلام از شام به مکه آمد، وبا او همسرش هاجر و پسرش اسماعیل در حالیکه او در گهواره بود، آن دو را به امر الله در مکه مسکن گزین نمود، و قتیکه این پسر جوان شد ابراهیم علیه السلام به مکه آمد، وی و پسرش اسماعیل علیهما السلام کعبه را بنا نمودند، و مردم در اطراف کعبه جانشین شدند، مکه مقصد الله پرستان که پروردگار جهانیان است، و ادا کنندگان مناسک حج است قرار گرفت، و مردم قرن‌ها به پرستش الله متعال و یکتاپرستی در ملت ابراهیم علیه السلام پرداختند. سپس انحراف رخ داد، جزیرهٔ عرب همانند دیگر سرزمین های جهان دگرگون گردید، پدیدهٔ بت پرستی سر بلند کرد: مانند پرستش بت ها، زنده به گور کردن دختران، ستم بالای

^۱ کوشش کردم تا این دو کلمه الرسول محمد باهم یکجا یاد شود بخاطر رعایت ترجمه آن.

زنان ، تهمت بستن، شراب نوشی، ارتکاب فحاشی ، خوردن مال یتیم وگرفتن سود مروج گردید. در این سر زمین و در این محیط در سال ۵۷۱هـ پیامبر اسلام محمد فرزند عبدالله از اولاد اسماعیل فرزند ابراهیم چشم بدنیا گشود، پدرش قبل از ولادت او وفات گردید، وقتی شش ساله شد مادرش وفات گردید، او را کاکایش ابو طالب در کفالت خویش در آورد، یتیم و فقیر پرورش یافت، کار می نمود، و از مزد دستش امرار معیشت می نمود.

۲- ازدواج مبارک با خانم مبارک

زمانی که بیست پنج ساله بود با بهترین بانوان و باشندگان مکه ازدواج کرد، که وی خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها بود، و از وی چهار دختر و دو پسر نصیبش شد. پسرانش در خور دسالی وفات نمودند. روش وی با همسر و خانواده اش پر از محبت و مهربانی بود، لذا همسرش خدیجه رضی الله عنها وی را نهایت دوست داشت. همچنان او هم وی را نهایت دوست داشت، حتی بعد از وفاتش بعد از سالیانی که گذشت فراموشش نکرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه گوسفند ذبح می کرد، گوشت آن را به دوستان خدیجه رضی الله عنها می فرستاد تا بدینوسیله از آنان اکرام نموده و با خدیجه رضی الله عنها نیکویی نموده و محبت او را حفظ کرده باشد.

۳- آغاز وحی:

محمد صلی الله علیه وسلم از روز آفرینش اش دارای اخلاق بزرگ بود، و قومش وی را بنام راستگو و امین یاد می کردند، و با آنها در کارهای بزرگ سهم می گرفت، و آنچه از بت پرستی را می دید در آن سهم نمی گرفت، بلکه از آن اظهار نفرت می نمود. وقتی به چهل سالگی رسید، وی در مکه بود که الله متعال وی را به

پیامبری مبعوث نمود، جبریل علیه السلام نزد وی آمد، و آیات آغازین
سوره قرآن کریم را بالایش نازل نمود و آن:

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝۱ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝۲ اقْرَأْ وَرَبُّكَ
الْأَكْرَمُ ۝۳ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝۴ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝۵﴾

(بخوان به نام پرورگارت که هستی را آفرید).

(همان ذاتی که (انسان) را از خون بسته آفرید).

(بخوان، و پروردگارت بزرگوartرین (بزرگواری همتا) است).

(ذاتی که بوسیله قلم آموخت).

آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت. [سوره
العلق: ۱-۵]. وی نزد همسرش خدیجه رضی الله عنها آمد در حالی که
قلبش می تپید، و جریان را برایش حکایت نمود. وی برایش دل داری
داد، و وی را نزد پسر کاکایش ورقه بن نوفل برد- او نصرانی شده بود
تورات و انجیل را می خواند- خدیجه رضی الله عنها برایش گفت: ای
پسر کاکایم! از برادر زاده ات بشنو، ورقه برایش گفت، ای برادر زاده ام
چه دیدید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم تمام جریان که دیده بود برایش
حکایت نمود، ورقه برایش گفت: (این همان فرشته (جبریل) است که
الله متعال آنرا بالای موسی علیه السلام فرود آورده بود، ای کاش
جوان وتوانمند می بودم، ای کاش زنده باشم زمانیکه قومت ترا از سر
زمینت بیرون می کنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (آیا آنها
من را بیرون می کنند؟)، گفت: بلی، هیچ کسی چیزی را که تو آوردی
نیاورده است مگر اینکه با او دشمنی شده است، اگر در آن روز من

زنده باشم حتما تو را یاری خواهم کرد). (۲). ۱۰

در مرحلهٔ مکی بالای پیامبر صلی الله علیه وسلم قرآن کریم مرتباً نازل می‌گردید، جبریل علیه السلام آنرا از جانب پروردگار جهانیان نازل می‌نمود، قسمیکه تفصیل این رسالت بیان خواهد شد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم قومش را بسوی اسلام دعوت می‌نمود، ولی آنها وی را می‌رانند، و با او دشمنی می‌نمودند، آنها در مقابل ترک رسالتش به او مال و پادشاهی را پیشنهاد نمودند، ولی وی همه را رد نمود، و برایش آنچه گفتند که گذشتگان به پیامبران ایشان می‌گفتند: جادوگر، دروغگو، افتراکننده. زمین را بلایش تنگ ساختند، حتی او را اذیت جسدی نمودند، و پیروانش را هم شکنجه نمودند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه مردم را بسوی الله متعال دعوت می‌کرد، و منتظر موسم حج و بازارهای موسمی عرب می‌بود. با مردم ملاقات و دیدار می‌نمود، و آنها را بسوی اسلام دعوت می‌نمود. نه به دنیا و نه به ریاست علاقه داشت، و نه با شمشیر مردم را می‌هراساند. دارای هیچ سلطه و قوتی نبود، و نه فرشته بود. در آغاز دعوتش مخالفینش را چالش داد تا همانند قرآن کتاب بیاورند، و همیشه مخالفینش را به این چالش روبرو می‌ساخت، که گروه از مردم (صحابه کرام رضی الله عنهم اجمعین) به وی ایمان آوردند.

در مرحلهٔ مکی الله متعال به وی معجزهٔ بزرگ اسراء (سفر شب) به بیت المقدس را عطا فرمود، سپس عروج (بالا رفتن) بسوی آسمان ها را نصیبش نمود، طوریکه معلوم است الله متعال پیامبران هریک: الیاس و عیسی علیهما السلام را بسوی آسمان فراخواند و بالا برد،

^۱ متفق علیه از حدیث عائشة رضی الله عنها، صحیح بخاری (۲) ۱/ ۷، و صحیح مسلم (۱۵۲) ۱/

همانگونه که نزد مسلمانان و نصرانیان ذکر گردیده. و پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسمان امر ادای نماز را از الله متعال بدست آورد. این همان نمازی است که مسلمانان آنرا روزانه پنج بار ادا می کنند. و در مکه مکرمه معجزه بزرگ دیگری هم رخ داد، که بنام شق القمر (شکافتن مهتاب) یاد شده است، که مشرکین هم آنرا مشاهده نمودند. کفار قریش تمام ابزار را بخاطر ممانعت وی بکار بردند، بخاطر دسیسه سازی و نفرت مردم از وی، و عنادا از وی مطالبه معجزه ها را می کردند، در این راستا از یهود هم استعانت خواستند، تا در مبارزه علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم و باز داشتن مردم از وی، دلایل برایشان ارایه کنند.

زمانیکه شکنجه کفار بالای مسلمانان به اوج خود رسید، پیامبر صلی الله علیه وسلم برای شان اجازه هجرت بسوی حبشه را داد، و برای شان فرمود: در حبشه پادشاه عادل است، در آنجا بالای هیچ کس ستم نمی شود. او پادشاه نصرانی بود، دو گروه از مسلمانان به حبشه هجرت نمودند، وقتی که مسلمانان به حبشه رسیدند، و با نجاشی ملاقات کردند، او را به دین اسلام دعوت نمودند، و او اسلام را پذیرفت، و گفت: سوگند به الله که این دین و دین موسی علیه السلام از یک چراغدان بیرون شده اند، این در حالی بود که در مکه بالای پیامبر صلی الله علیه وسلم و یارانش شکنجه روز به روز افزون تر می شد.

از جمله کسانی که در موسم حج به وی ایمان آورده بودند گروهی بودند که از مدینه آمده بوند، و با پیامبر صلی الله علیه وسلم بر اسلام و نصرت وی هنگامی که به شهر آنان که آن زمان یثرب نامیده می شد برو، بیعت نمودند. صحابه که در مکه باقی مانده بودند برایشان اجازه هجرت به مدینه را داد، آنجا هجرت کردند، و نور اسلام در

مدینه بخش گردید، هیچ خانه نبود مگر اینکه به اسلام مشرف شدند. بعد از سیزده سال که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه سپری کرد و مردم را بسوی الله دعوت می نمود، الله متعال برایش اجازه نمود تا به مدینه منوره هجرت نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت نمود، و بسوی الله متعال مردم را دعوت می نمود، و احکام تشریعی بالایش نازل می گردید، در این مرحله سفر و فرستاده های خویش را با نامه ها به بزرگان قبائل و پادشاهان می فرستاد، و آنها را بسوی اسلام دعوت می نمود، و از جمله کسان که برایشان نامه فرستاد: پادشاه روم، پادشاه فارس، و پادشاه مصر بودند.

در مدینه حادثه کسوف (آفتاب گرفتگی) رخ داد، مردم هراسیدند، و این مصادف با وفات ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، مردم فکر کردند، آفتاب گرفتگی بخاطر وفات ابراهیم است، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

(إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَا يَكْسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ، وَلَا لِحَيَاتِهِ، وَلَكِنَّهُمَا مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِمَا عَبْدَهُ)^۱.

(آفتاب و مهتاب بخاطر مرگ و زندگی کسی گرفته نمی شود؛ بلکه آن هر دو از نشانه های الله اند، که توسط آن بندهایش را متوجه می سازد). اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم دروغگو و خودخواه می بود، بخاطر تکذیب قومش آنها را هوشدار می داد، و می گفت که آفتاب گرفتگی بخاطر مرگ فرزندم بود، پس چگونه خواهد بود فرجام مکذبان.

پیامبر صلی الله علیه وسلم را پروردگارش به اخلاق نیکو آراسته

^۱ صحیح مسلم (۹۰۱)

ساخته بود، و وی را به این وصف توصیف نمود:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱

(هر آئینه تو دارای اخلاق بزرگ استی). [سورة القلم: ۴]. وی به تمام اخلاق نیکو متصف بود، مانند راستگویی، اخلاص، شجاعت، عدل، وفاداری حتی با مخالفین، سخاوتمندی، ودوست داشت تا به فقرا، مساکین، بیوه زنان، و مستمندان صدقه و خیرات بدهد. و به هدایت شان حریص بود، دارای مهربانی و فروتنی بود، حتی این که مرد نا آشنا می آمد از یارانش در مورد وی می پرسید، کدام یکی از شما محمد هستید؟ در حال که وی در بین ایشان نشسته می بود.

سیره مطهره وی بهترین نمونه تکاملی و هوشیاری در تعامل با دیگران بود: با دوست و دشمن، دور و نزدیک، خورد و بزرگ، مرد و زن، چهار پایان و پرنده گان تعامل نیک داشتند.

زمانی که الله متعال دینش را تکمیل نمود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم او را به بهترین شیوه تبلیغ نمود، در شصت سه سالگی، چهل سال قبل از نبوت و بیست سه سال بعد از نبوت و رسالت از دنیا چشم پوشید. و سپس در مدینه منوره بخاک سپرده شد، و هیچ مال و میراث از خود بجا نگذاشت، جز قاطر سفید که بالایش سوار می شد، و زمین که او را به مستمندان صدقه نمود.^۱

شمار زیادی به وی ایمان آوردند، و وی را تصدیق نمودند، و کسانی که با وی در حجة الوداع حج نمودند، بیشتر از صد هزار شخص بودند، و این سه ماه قبل از وفات ایشان صورت گرفت، شاید این پدیده از رازهای حفظ و انتشار دین اسلام بوده باشد، و یارانش که به

^۱ صحیح بخار (۴۴۶۱) ۱۵/۶.

اساسات دین آموزش دیده بودند؛ بهترین انسانها در عدل، زهد، تقوا، وفاداری، و فداکاری در دین بشمار می رفتند، آنها مؤمنان واقعی بودند. بزرگترین یارانش رضی الله عنهم که دارای ایمان، علم، عمل، اخلاص، تصدیق، شجاعت، و سخاوتمندی بود: ابوبکر الصدیق، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، و علی بن ابی طالب رضی الله عنهم بودند. آنها از نخستین مؤمنان بشمار می روند و خلفاء بعد از وی بودند، آنانکه پرچم اسلام را بر افراشتند، و هیچ ویژگی پیامبری را نداشتند، و آنان را نسبت به دیگر یارانش رضی الله عنهم به چیزی خاص ننموده بود.

الله متعال کتاب خویش و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و سیرتی که شامل گفتار و کردار وی بود و آن را تبلیغ نمودند حفظ و نگهداری نمود. در طول تاریخ سیرت هیچ شخص مانند سیرت او نگهداری نشده است، حتی چگونگی خواب کردن، خوردن، نوشیدن، و خنده هایش حفظ گردیده است. درخانه با خانواده اش چگونه روش داشت؟ تمام روش هایش در سیرتش نگاشته و نگهداری شده است، وی بشر و پیامبر بود، و هیچ ویژگی خدایی را نداشت، حتی اختیار نفع و ضرر را برای خود نداشت.

۴- رسالت وی:

الله متعال، محمد صلی الله علیه وسلم را زمانی فرستاد که شرک، کفر، و نادانی همه جا را فرا گرفته بود، و در روی زمین کسی جز تعداد محدودی از اهل کتاب نبود که پرستش الله را نماید، و به وی چیزی را شریک نسازد، الله متعال محمد صلی الله علیه وسلم را آخرین پیامبران و رسولان به هدایت و دین حق به تمام جهانیان فرستاد، تا دینش را بالای تمام ادیان پیروز نماید، و تا مردم را از تاریکی های بت

پرستی، کفر، و نادانی بسوی نور یکتاپرستی و ایمان بکشاند، و رسالتش متمم رسالت های پیامبران گذشته بود علیهم الصلاة والسلام.

و بسوی آنچه فرا خواند که پیامبران و رسولان گذشته علیهم السلام بسوی آن دعوت داده بودند مانند: نوح، ابراهیم، موسی، سلیمان، داود، و عیسی- علیهم السلام، و ایمان داشتن بر این که پروردگار ما الله است، که خالق، رازق، زنده کننده است او می میراننده و مالک الملک می باشد. و او تدبیر کننده جهان است، و وی بخشنده و مهربان است، الله متعال آفریدگار تمام آنچه در جهان است می باشد اگر آن را ما می بینیم و یا نمی بینیم، و هر آنچه غیر او است مخلوق می باشند.

همچنان بسوی پرستش یگانه الله، و ترک پرستش غیر او خواند، و این را روشن ساخت که الله ذات یکتا است، که هیچ شریک در عبادت، پادشاهی، آفرینش، و تدبیر ندارد، و روشن نمود که الله متعال از کسی زاده نشده و نه از وی کسی زاده شده است، و هیچ همتا مانند ندارد، و در هیچ مخلوقش مدغم و مجسم نگردیده است.

و ایمان داشتن به کتابهای الهی و صحیفه های ابراهیم و موسی علیهم السلام و تورات و زیور و انجیل فرا خواند، همچنان به ایمان داشتن به همه پیامبران علیهم السلام فرا خواند، و اگر کسی به یک پیامبر کفر ورزد در حقیقت او به تمام پیامبران علیهم السلام کفر ورزیده است.

و همه مردم را به رحمت الهی مژده داده است، و الله متعال در دنیا احتیاجات آنها را فراهم می کند، و الله متعال پروردگار مهربان است، و وی یگانه ذاتیست که بنده هایش را در روز قیامت زمانی که از قبرها بیرون می آیند محاسبه می کند، و وی ذاتی است که پاداش اعمال نیک مؤمنان را ده برابر برایشان می دهد، و گناه را به اندازه گناه

جزا می دهد، برای مؤمنان نعمت های جاویدان است در آخرت، و کسی که کفر ورزید و گناه نمود جزای کرده اش را در دنیا و آخرت می بیند.

محمد صلی الله علیه وسلم در تبلیغ رسالتش نه قبیله و نه شهر و نه شخص خویش را ستوده است، بلکه در قرآن کریم نامهای پیامبران مانند نوح موسی و عیسی علیهم السلام بیشتر از نام وی یاد شده است، و نه نام مادر و نه نام همسرانش در قرآن کریم یاد شده است، در قرآن کریم فقط نام مادر موسی چند بار، و نام مریم سی پنج بار یاد شده است.

محمد صلی الله علیه وسلم از هر آنچه که مخالف شرع، عقل و فطرت باشد، و یا عقل سلیم آن را نپذیرد معصوم می باشد، چرا که پیامبران در آنچه از جانب الله متعال تبلیغ می کنند معصوم می باشند، بخاطری که آنها مکلف اند تا اوامر الهی را تبلیغ نمایند، پیامبران هیچ ویژگی الوهیت و ربوبیت را ندارند، بلکه آنها همانند دیگران بشر هستند که الله متعال بالایشان وحی نازل نموده است.

و از بزرگترین نشانه ها بر اینکه رسالت محمد صلی الله علیه وسلم وحی الهی است، اینست که این دین چنانچه در حیات ایشان موجود بود، تا امروز هم موجود است، و بیشتر از یک ملیارد مسلمان پیرو آن هستند، که واجبات مانند نماز، زکات، روزه، حج و غیره را انجام می دهند، بدون این که در آن تغییر و تحریف صورت گرفته باشد.

۵- معجزهای پیامبری او، نشانه ها و دلایل آن:

الله متعال پیامبران را به معجزهای که دلالت به نبوت آنها می کند تأیید می نماید، و دلایل و شواهد را بخاطر صدق رسالت ایشان عرض می کند، الله متعال به هر پیامبر معجزه داده است تا مردم به وی ایمان

آورند، و بزرگترین معجزه های پیامبران معجزه های محمد صلی الله علیه وسلم است، الله متعال برایش قرآن کریم را عنایت فرمود که تا روز قیامت به شکل نمونه از معجزه های پیامبران باقی خواهد ماند، قسمیکه الله متعال برایش معجزه های بزرگ زیادی داده است، از آن جمله:

اسراء و معراج، انشقاق القمر (شکافتن مهتاب)، و بارها فرود آمدن باران بعد از دعای استسقاء، تا مردم بعد از خشکسالی و قحطی سیراب شوند.

افزایش در خوراک و آب کم، که شمار زیادی آنرا خوردند و نوشیدند.

و خبر دادن از امور غیبی گذشته، که هیچ کس به تفاسیل آن آگاهی نداشت، الله متعال وی را از آن آگاه ساخت، مانند داستانهای پیامبران علیهم السلام با اقوام ایشان، و داستان اصحاب الکهف. و خبرهای غیبی که در آینده رخ می دهد، که الله متعال وی را از آن آگاه نموده بود، مانند خبر آتش که در سرزمین حجاز رخ می دهد، حتی این که اهل شام آنرا مشاهده نمودند، و بلند منزلهای که مردم در آن از یکدیگر سبقت می ورزند. حمایت الهی و حفاظت او از مردم.

و محقق شدن وعده هایش با یارانش، مانند این فرموده وی:

(لَتُفْتَحَنَّ عَلَيْكُمُ فَارِسُ وَالرُّومُ، وَلَتُتَفَقَنَّ كُنُوزُهُمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ).

(فارس و روم فتح خواهد شد، و از گنجهای آن در راه الله خرچ خواهید کرد).

تایید الله از وی توسط فرشتگان.

مژده پیامبران علیهم الصلاة والسلام اقوام ایشان را به پیامبری

محمد صلی الله علیه وسلم، و از جمله پیامبران که مژدهٔ پیامبری وی را داده بودند: موسی، داود، سلیمان، و عیسی علیهم الصلاة والسلام و غیره پیامبران بنی اسرائیل.

دلایل عقلی، و مثالهای که عقل سلیم آنرا می پذیرد.^۱

این آیات و دلایل و مثالهای عقلی در قرآن کریم و سنت نبوی زیاد است، و نشانه های آن بیشتر و بی شما رمی باشد، و اگر کسی می خواهد مطلع شود به قرآن کریم و کتابهای سنت و سیرت نبوی مراجعه نماید، که به قدر کافی در این مورد بحث شده است.

اگر این معجزه های بزرگ صورت نمی گرفت، دشمنان وی از جمله کفار قریش و یهود و نصارا که در جزیرهٔ عرب زندگی می کردند، به تکذیب وی می پرداختند، و مردم را از وی می هراسند.

قرآن کریم کتاب الله متعال است که او را بالای محمد صلی الله علیه وسلم نازل نموده است، و آن کلام رب العالمین است، که چالش بود برای انسان ها و جن ها تا همانند این کتاب و یا یک سورهٔ آن را بیاورند، و این چالش تا امروز پا برجا است، و قرآن کریم پاسخگوی پرسشهای مهمی زیاد است که ملیونها انسان را به حیرت در آورده است، و قرآن کریم تا امروز به همان زبان عربی که نازل گردیده محفوظ می باشد، یک حرف آن هم از او کم نگردیده است، و کتاب چاپ و توزیع شده است، آن کتاب بزرگ و معجزه است، و بزرگترین کتاب است که به مردم نازل گردیده است، سزاوار این است که باید

^۱ مانند این فرموده الله متعال: (ای مردم! مثالی بیان می شود؛ پس به آن گوش بسپارید. بی گمان

معبودانی که عوض الله می خوانید، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند؛ هرچند هم آنها برای آفریدن مگس جمع شوند. و اگر مگس، چیزی از آنان بریاید، نمی توانند آن را از او پس بگیرند. عبادت

گذاران و معبودان (باطل)، همه ضعیف و ناتوانند). [سورة الحج: ۷۳]

خوانده شود و ترجمه گردد، و کسی که از ایمان آوردن به این کتاب، و فهم معانی آن بی بهره ماند، در حقیقت از تمام خیر محروم گردیده است. سنت و رهنمایی ها و سیرت محمد صلی الله علیه وسلم هم محفوظ و توسط راویان موثق و معتبر نقل گردیده است، و به زبان عربی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن صحبت می نمود به چاپ رسیده است، و آنگونه موجود است همانند این که وی با ما فعلا زندگی می کند، و به زبانهای زیادی ترجمه گردیده، قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم هر دو یگانه مصادر و احکام تشریعی و اسلام می باشد.

۶- شریعتی که محمد صلی الله علیه وسلم آن را آورده است

شریعتی که محمد صلی الله علیه وسلم آن را آورده، شریعت اسلام است، و این شریعت پایان شریعت های ربانی و رسالت های الهی می باشد، و در اصول همانند شرایع پیامبران گذشته بوده، اگرچه در کیفیت متفاوت می باشد.

و این شریعت متکامل است، که سازگار هر زمان و مکان می باشد، در آن خوبی های دین و دنیای مردم نهفته است، و شامل تمام عبادات است که بالای بنده های الله از جانب پروردگار فرض گردیده است، مانند نماز و زکات، و بیان گر تمام معامله های جایز و ناجایز، مالی اقتصادی اجتماعی سیاسی جنگی و محیط زیست می باشد، و غیره مسایل که نیازمندی های زندگی مردم و معاد ایشان را بیان می نماید.

این شریعت حافظ دین، جان، ناموس، مال، عقل و نسل مردم است، و شامل هر شایستگی ها و نیکویی هاست، و از هر بدی و زشتی ها بر حذر می دارد، بسوی کرامت انسانی، میانه روی، عدل، اخلاص،

پاکی، مهارت، محبت، خیر خواهی مردم، جلوگیری از خون ریزی، آرامش سرزمین ها، و حرام پنداشتن ارهاب و ترساندن مردم را فرا می گیرد. محمد صلی الله علیه وسلم در مقابل هر نوع فساد، طغیان، خرافات، و گوشه نشینی و رهبانیت اعلان جنگ نمود.

محمد صلی الله علیه وسلم روشن ساخت که انسان اعم از مرد و زن دارای کرامت انسانی می باشند، و تمام حقوق وی را ضمانت نموده، و وی مسؤول تمام اختیارات افعال و تصرفات خویش می باشد، و مسؤول هر کاری که زیان آن به خود و یا به دیگران برسد، می باشد، زن و مرد یک برابر اند، البته در مسایل ایمان و مسؤولیت و ثواب و جزاء، در شریعت اسلام به زن توجه خاص شده است اگر همسر باشد یا دختر و یا خواهر.

شریعتی که محمد صلی الله علیه وسلم آنرا آورده است، در آن تاکید به حفظ عقل شده است، و هر آنچه که عقل را فاسد می سازد مانند نوشیدن شراب، حرام قرار داده است. اسلام دین را نور قرار داده است، که راه را برای عقل روشن می سازد، تا انسان پرستش پروردگار خویش را با آگاهی و بصیرت انجام دهد. اسلام جایگاه عقل را بلند پنداشته است و آن را شرط تکلیف شرعی قرار داده است، و آن را از زنجیرهای خرافات و بت پرستی ها رهایی بخشیده است.

اسلام علم نافع را گرامی داشته است، و به تلاش های علمی دور از هوا و هوس تشویق نموده است. اسلام به اندیشیدن در نفس و جهان فرا خوانده است، و هر آن نتایج علمی صحیح که با شریعت محمد صلی الله علیه وسلم در تضاد نباشد مورد تایید قرار داده است. در شریعت اسلام هیچ نژاد بالای نژاد دیگری، و هیچ قومی بالای قوم دیگری برتری ندارد، بلکه همه در مقابل احکام یکسان اند، زیرا انسان ها در اصل باهم یکسان اند، هیچ نژاد بالای نژاد دیگر و هیچ

قوم بالای قوم دیگری برتری ندارد، جز به تقوا و پرهیزگاری. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر نوزاد در حالت اسلام به دنیا می آید، و هیچ نوزاد گنهگار تولد نمی شود، و نه بار گناه دیگران را به میراث می برد.

در شریعت اسلام، الله متعال توبه را مشروع نموده است: توبه به معنی ترک گناه و بازگشت بسوی پروردگار است. اسلام تمام گناهان قبلی را محو و نابود می سازد. توبه تمام گناههای قبلی را محو می کند، نیاز نیست که انسان در مقابل دیگران به گناه خویش اعتراف نماید. در اسلام رابطه انسان با پروردگارش می باشد، نیاز نیست که بین تو و الله متعال کسی دیگری واسطه شود، اسلام از اینکه بشر را معبودان خویش قرار دهیم و یا آنها را با الله متعال در ربوبیت والوهیت شریک سازیم منع نموده است.

شریعت محمد صلی الله علیه وسلم ناسخ تمام شریعت های قبلی می باشد، زیرا که شریعت محمد صلی الله علیه وسلم آخرین شرایع الهی است که تا روز قیامت باقی خواهد ماند، و این شریعت برای کافه جهانیان است، لذا ناسخ ماقبل آن می باشد، قسمیکه شرایع قبلی یکدیگر را نسخ می نمود. الله متعال جز اسلام هیچ شریعت دیگری را نمی پذیرد، و جز دین محمد هیچ دین دیگری را نمی پسندد، و کسی که جز اسلام به دین دیگری گرایش پیدا کرد، هرگز از او پذیرفته نمی شود. اگر کسی می خواهد اطلاع بیشتر در مورد احکام این شریعت داشته باشد، از مراجع معتبر آن استفاده کند، که بنام مراجع اسلام یاد می شود.

هدف شریعت اسلامی همان هدف تمام رسالت های الهی است، که دین حق انسان را به مرحله عبودیت خالص به پروردگارش که آفریدگار جهانیان است برساند، و او را از بندگی انسان و یا ماده و

خرافات آزاد سازد.

شریعت اسلام سازگار هر زمان و مكان است، و در آن هيچ چيزي سراغ نمي شود، كه با مصالح صحيح انسان در تضاد باشد، چرا كه آن از جانب الله متعال نازل گرديده است كه مصالح بنده هايش را بهتر و بيشتري مي داند. مردم به شريعتي نياز دارند كه در اصل درست باشد، و در آن تناقض وجود نداشته باشد، و براي تمام بشريت سازگار باشد، و وضع كننده آن بشر نباشد، بلكه از جانب الله متعال نازل شده باشد، و مردم را بسوي خوبي ها و رشادت ها رهنمايي كند، و هرگاه مردم در وقت منازعه به آن رجوع كنند، بسوي آسايش مي روند، و از ستم همديگر در امان مي مانند.

۷- موقفگيري مخالفان وي، و گواهي آنها به حقانيت وي:

بدون شك هر پيامبري مخالفين داشت كه با وي دشمني كردند، و در راه دعوت وي ايستادند، و مردم را از ايمان آوردن به وي باز داشتند. محمد صلي الله عليه وسلم در زندگي و بعد از رحلت ايشان دشمنان و مخالفين زيادي داشتند، كه الله متعال وي را بالاي ايشان پيروز نمود. دلايل گواهي قبلي و فعلي آنها به تواتر رسيده است، كه وي پيامبر است، و وي آنچه را آورده است كه پيامبران گذشته عليهم الصلاة والسلام آورده بودند، و مي دانند كه وي برحق است، اما موانع ايمان آوردن ايشان زياد مي باشد: مانند دل بستن به رياست، و يا ترس از مردم و جامعه، و يا از دست دادن پول و ثروت كه از راه منصب خویش آنرا به بدست می آوردند. والحمد لله رب العالمين.

فهرست

- پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم..... ۲
- ۱- نام و نسب و سرزمینی که وی در آن تولد و پرورش یافته است.
..... ۲
- ۲- ازدواج مبارک با خانم مبارک..... ۳
- ۳- آغاز وحی:..... ۳
- ۴- رسالت وی:..... ۹
- ۵- معجزهای پیامبری او، نشانه ها و دلایل آن:..... ۱۱
- ۶- شریعتی که محمد صلی الله علیه وسلم آن را آورده است.. ۱۴
- ۷- موقفگیری مخالفان وی، وگواهی آنها به حقانیت وی:..... ۱۷



جمعية خدمة المحتوى
الإسلامي باللغات



پارهٔ مختصری پیرامون پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه
وسلم که شامل نام، نسب، سرزمین، ازدواج، پیامبری،
و آنچه که بسوی آن دعوت نمود، و نشانه های پیامبری،
و شریعت، و موقف مخالفین او میباشد بیان میکنم.



978-603-8402-97-9